



Iranian Independent Islamic Human Rights Commission
کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران
انجمن حقوق انسان الاسلامیه فی ایران



مقاله ای در مورد پیامدهای حقوقی بین المللی همدستی و حمایت آمریکا از گروه‌های کُرد برای مشارکت در تجاوز آمریکا علیه ایران

(از مجموعه مقالات منتشره در سطح فراملی در مورد تجاوز آمریکا و اسرائیل به ایران)

امور پژوهشی، آموزشی و ترویجی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

بهار ۱۴۰۵

توضیحات مقدماتی کمیسیون:

در قبال تجاوز آمریکا و اسرائیل علیه ایران در اسفند ماه ۱۴۰۴ و فروردین ۱۴۰۵، در سطح جهانی واکنش های گسترده ای نزد ملت های مختلف شکل گرفت. این واکنش ها در مواردی مشابه واکنش های پس از تجاوز ۱۲ روزه به ایران بود و در مواردی با واکنش های برجسته تر همراه شد به ویژه که در این تجاوز جدید علاوه بر ترور عالی ترین مقام ایران، برخی جنایات غیر انسانی همانند هدف قرار دادن مدرسه شجره طیبه میناب و به شهادت رساندن قریب به ۲۰۰ نفر از دانش آموزان و معلمان و کادر اداری مدرسه، هدف قراردادن ورزشگاه و خانه های مردم در لامرد با بمب های خاص دارای آثار غیر انسانی گسترده، هدف قراردادن ده ها مدرسه، دانشگاه، ورزشگاه، مرکز درمانی، آثار میراث فرهنگی و دیگر زیر ساخت های مردمی ایران، توجه جهانی را بیشتر به خود جلب کرد. اظهار نظرهای خود ترامپ در خلال جنگ رمضان و هفته های پس از آن نیز مزید بر علت شد تا جهانیان بهتر دریابند که وی از ارتکاب هر گونه جنایتی ابا ندارد و حتی تهدید به از بین بردن یک تمدن چند هزار ساله را مطرح می سازد یا اینکه حاضر است به تعبیر خودش «برای تفریح و سرگرمی» مرتکب جنایت غیر انسانی شود.

در چنین فضایی که اکثر ملت ها موضعگیری در محکومیت جنایات آمریکا و اسرائیل داشته اند، به طور طبیعی از نهادهای تخصصی حقوقی و حقوق دانان در سراسر دنیا انتظار بیشتری می رفت که واکنش جدی نشان دهند چرا که این نهادها و افراد بهتر ابعاد نقض حقوق بین الملل و حقوق بشر را درک می کنند فلذا هر گونه سکوت یا همراهی آنها با جنایتکاران امری غیر قابل قبول و شایسته نکوهش جلوه می کند.

در پاسخ به انتظار منطقی یاد شده، برخی از نهادهای تخصصی حقوقی یا حقوقدانان واکنش های مناسبی هم از حیث محتوا و هم از حیث فوریت اعلام نظر داشتند. اما بعضی نهادها و افراد متاسفانه محافظه کاری پیشه کرده و سخنی نگفتند که موجبات غضب مسئولان آمریکا یا رژیم اشغالگر اسرائیل را در پی داشته باشد یا اگر حرفی زدند دوپهلوی و مبهم سخن گفتند و با عباراتی بی خاصیت، هر دو طرف را به کاهش تنش دعوت کردند یا ضمن اشاره به تجاوز آمریکا چند مطلب منفی نیز علیه ایران مطرح کردند.

برای آنکه مخاطبان ایرانی بهتر مطلع شوند که کدام نهادهای تخصصی حقوقی و یا حقوقدانان بین المللی موضعگیری شفافی داشتند و کدام نهادها و کارشناسان هیچ موضعگیری نکرده یا مواضع بی خاصیتی داشتند، امور پژوهشی کمیسیون مناسب دانست که اولاً بررسی دقیقی در خصوص موضعگیری های نهادهای تخصصی حقوقی یا شخصیت های علمی فعال در حوزه حقوق بین الملل داشته باشد و موارد در خور توجه را گردآوری نماید. ثانیاً مصادیق برجسته را انتخاب و به فارسی برگردان نماید و در دسترس مخاطبان فارسی زبان قرار دهد.

گزارش حاضر یکی از همین مجموعه آثار گردآوری شده است.

حقوقدان نویسنده این اثر که اصلیت هندی دارد و عمده تحصیلات خود را در انگلیس و آمریکا به انجام رسانده است در این نوشتار ضمن پیگیری خط تحلیلی صرفاً حقوقی بین المللی، دولت آمریکا را از جهت حمایت از گروه‌های گُرد مسلح برای مشارکت در برنامه نظامی این کشور علیه ایران مورد سرزنش قرار می‌دهد و از کنگره آمریکا می‌خواهد که نظارت لازم را معمول دارند و هیچ منبع مالی به این قبیل فعالیت‌های بر خلاف حقوق بین الملل اختصاص ندهند. وی نتیجه گرفته که هر چه بر شعله‌های جنگ علیه ایران افزوده شود، مردم ایران هزینه‌های آن را می‌دهند. وی هم چنین به صراحت مداخله نظامی نامشروع آمریکا و اسرائیل علیه ایران و انواع نقض حقوق جنگ از جمله حمله به مدرسه شجره طیبه در میناب را رد می‌کند.

مخاطبان غیر آشنا در زمینه حقوق بین الملل ممکن است با مطالعه این قبیل آثار با خود بگویند که چارچوب‌های حقوقی برای جلوگیری از بی‌عدالتی‌های مختلف در عرصه جهانی تا حد زیادی غیر کارآمد یا به شدت محتاط هستند و امید زیادی به آنها برای جلوگیری از استمرار عملکرد زورگویان جهانی نمی‌توان بست. این برداشت البته از واقعیات موجود بدور نیست اما نباید موجب شود که تلاشگری‌های حقوقی بین المللی برای مقابله با اقدامات خلاف کنار گذاشته شود یا تلاش نشود که قواعد حقوقی و سازوکارهای بین المللی در مسیر اصلاح و تکمیل قرار گیرند.

امور پژوهشی کمیسیون ضمن تاکید بر اینکه ترجمه و بازتاب هر مقاله خارجی به معنای تایید همه دیدگاه‌های مطرح شده نویسندگان نیست، یادآوری می‌نماید که در روند نهایی سازی ترجمه حاضر، در مواردی برخی کلمات داخل براکت [] در متن افزوده شد، توضیحاتی در زیر نویس صفحات مختلف مقاله درج گردید و معادل انگلیسی برخی اصطلاحات یا کلمات مهم در زیر نویس هر صفحه منعکس شد تا فهم موضوع بهتر انجام پذیرد. ارجاعات انگلیسی خود نویسنده نیز عیناً ذیل هر صفحه حفظ گردید.

با امید به اینکه ارتقای آگاهی‌های عمومی در خصوص ابعاد حقوقی تجاوز به کشورمان، موجبات تقویت حساسیت‌ها برای دفاع از حقوق انسانی و ملی را فراهم سازد و همه بیش از گذشته تلاش کنیم که ظرفیت‌های ملی و جهانی را در خدمت اجرای عدالت و پاسخگو کردن جنایتکاران قرار دهیم، متن گزارش تهیه شده بشرح آتی تقدیم میشود.

امور پژوهشی، آموزشی و ترویجی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

خرداد ۱۴۰۵

♦ نویسنده: سنمای مویترا، مدرس دانشکده حقوق جیندال گلوبال، دانش آموخته حقوق بین الملل از دانشگاه جورج تاون و دانشگاه لیدن

♦ مجری روند برگردان انگلیسی به فارسی مقاله: سالار درویشی، دانش پژوه دکتراي حقوق و همیار افتخاری کمیسیون

♦ ویرایش و نهایی سازی متن در امور پژوهشی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران، خرداد ۱۴۰۵

♦ مآخذ: سامانه مجله دیجیتالی حقوقی جاست سکيوریتی (Just Security)، ۱۵ آوریل ۲۰۲۶

♦ شناسه متن: ۰۵/۱/۱۱۴

هر گونه نقل مطالب گزارش حاضر یا باز نشر جزئی یا کلی آن با ذکر مآخذ و رعایت استناد به امور پژوهشی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران، مجاز است.

امور پژوهشی کمیسیون از هر گونه نظر و پیشنهاد مخاطبان ارجمند به ویژه صاحب نظران و کارشناسان محترم در راستای ارتقای تلاش ها استقبال می کند. مشارکت در فعالیت های عام المنفعه نیز برای همه میسر است.

www.ihrc.ir

پیامدهای حقوقی بین‌المللی و نابخردی کمک ایالات متحده به شورشیان کرد در ایران

نوشته سَنمای مویترا، مدرس دانشکده حقوق جیندال گلوبال، دانش آموخته حقوق بین‌الملل از دانشگاه جورج تاون و دانشگاه لیدن و پژوهشگر حوزه مباحث حقوق بشر، حقوق بین‌الملل عمومی و حقوق کیفری بین‌المللی
(نشر در پانزدهم آوریل ۲۰۲۶ برابر با بیست و ششم فروردین ۱۴۰۵ شمسی)

با برقراری آتش‌بس^۱ در مخاصمه ایالات متحده، اسرائیل و ایران، هرچند آتش‌بسی که همچنان زیر فشار و در معرض تزلزل است،^۲ روشن نیست که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، قصد داشته باشد دخالت مستقیم نظامی آمریکا در ایران را برای مدت طولانی‌تری ادامه دهد. از این‌رو، هرگونه تغییر جدی رژیم^۳ در ایران از طریق اقدام مستقیم نظامی که یکی از اهداف اصلی ایالات متحده در ورود به این جنگ بود، بیش از پیش دور از دسترس به نظر می‌رسد. با این حال، درگیری میان ایران و نیروهای شورشی^۴ کرد، با وجود آتش‌بس، ادامه یافته^۵ و انتظار می‌رود^۵

^۱. Ceasefire

با میانجیگری دولت پاکستان، از ساعت ۳,۳۰ صبح روز چهارشنبه ۸ آوریل ۲۰۲۶ برابر با ۱۹ فروردین ۱۴۰۵ آتش‌بس بین ایران و آمریکا برقرار شد. پس از آن مذاکرات غیر مستقیم برای انعقاد تفاهم‌نامه موقت جریان پیدا کرد و این مهم توسط روسای جمهور دو کشور در روز پنج‌شنبه ۲۸ خرداد ۱۴۰۵ برابر با ۱۷ ژوئن ۲۰۲۶ امضا شد ولی دولت ترامپ به همین هم پایبند نماند و به محض اینکه قدری خود را در منطقه بازتجهیز نمود نسبت به نقض آن اقدام و مجدداً به مناطق جنوبی کشور و برخی زیر ساخت‌ها و مناطق غیر نظامی حمله و خسارات جانی و مالی گسترده‌ای را موجب شد. (توضیح افزوده بر متن)

^۲. Under stress

^۳. Significant regime change

^۴. <https://thenewregion.com/posts/5079>

^۵. <https://www.rudaw.net/english/middleeast/iraq/080420265>

نیروهای کُرد حملات خود علیه حکومت ایران را از سر گیرند. این وضعیت در پی گزارش‌هایی^۶ مطرح شده است که نشان می‌داد نیروهای شورشی کُرد پیش از آتش‌بس، حملات زمینی خود را در ایران آغاز کرده بودند^۷ و آمادگی‌هایی^۸ نیز برای اجرای عملیاتی گسترده با هدف سرنگونی حکومت در جریان بوده است. در چنین شرایطی، ارائه حمایت پنهانی و مادی^۹ به شورش کُردها در ایران با هدف تحقق تغییر رژیم، ممکن است برای ایالات متحده به گزینه‌ای جذاب برای دستیابی به اهداف بلندمدت خود در ایران تبدیل شود.

در واقع، گزارش‌های اخیر^{۱۰} ظاهراً تأیید می‌کنند که ایالات متحده پیش‌تر نیز در حال برنامه‌ریزی برای حمایت از تهاجم کُردها به ایران با هدف تحقق تغییر رژیم بوده است؛ طرح‌هایی که بر پایه آن‌ها «ده‌ها هزار جنگجوی مسلح کُرد ... زیر پوشش هوایی گسترده آمریکا و اسرائیل» وارد عمل می‌شدند. ترامپ نیز اخیراً تأیید کرده است که ایالات متحده «سلاح‌های زیادی برای (کُردها) ارسال کرده است».^{۱۱} هرچند وضعیت کنونی رابطه میان ایالات متحده و نیروهای کُرد روشن نیست، جنگجویان کُرد^{۱۲} همچنان در پی کسب حمایت آمریکا برای آغاز یک شورش زمینی با هدف سرنگونی جمهوری اسلامی هستند^{۱۳} و انتظار چنین حمایتی را دارند. بنابراین، آینده فعالیت آمریکا علیه ایران

^۶. <https://www.jpost.com/middle-east/iran-news/article-888881>

^۷. معلوم نیست آیا منظور نویسنده برخی اقدامات پراکنده و تروریستی که برخی گروه‌های تروریستی آن سوی مرزهای ایران هر از چند مدت در مرزهای شمال غرب کشور از دیر باز مرتکب شده‌اند، بوده است یا تصور وی اقدام نظامی گسترده گروه‌های کُرد آن سوی مرزها در ایران است که اگر دومی مورد نظر وی بوده است قطعاً این توصیف (آغاز حملات زمینی نیروهای کُرد در ایران) نادرست است و در جریان تجاوز آمریکا و اسرائیل به ایران نه تنها گروه‌های تروریستی مزبور فرصت هیچ تحرک فراگیری در مرزهای ایران پیدا نکردند بلکه امکان اقدامات پراکنده قبلی تروریستی را نیز از دست دادند و به شدت با برخوردهای نظامی نیروهای مسلح ایران در همان نقطه استقرار در شمال عراق مواجه شدند. (توضیح افزوده بر متن)

^۸. <https://www.nytimes.com/2026/03/28/world/europe/iran-kurds-iraq-fighters.html>

^۹. Covert and material support

^{۱۰}. <https://www.timesofisrael.com/us-israeli-plan-for-kurdish-invasion-of-iran-reportedly-collapsed-amid-leaks-distrust/>

^{۱۱}. <https://www.aljazeera.com/news/2026/4/6/has-trump-confirmed-irans-claim-that-protesters-were-us-armed>

^{۱۲}. منظور از جنگجویان کُرد، گروه‌هایی هستند که سال‌هاست تحت حمایت آمریکا و اسرائیل و برخی کشورهای اروپایی در شمال عراق مستقر می‌باشند. برخی از این گروه‌ها سوابق اقدامات تروریستی آنها از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی ایران است و بعضی از آنها طی سال‌های اخیر ایجاد شده و به صورت پراکنده مرتکب اقدامات تروریستی در ایران شده و می‌شوند. (توضیح افزوده بر متن)

^{۱۳}. <https://www.usatoday.com/story/news/world/2026/03/15/kurdish-fighters-iran-war-trump/89133073007/>

هرچه باشد، رابطه واشنگتن با نیروهای شورشی گردد ممکن است به‌زودی به یکی از محورهای اصلی مداخله و نقش‌آفرینی ایالات متحده تبدیل شود.

با این همه، چنین رابطه‌ای با نیروهای گردد، نه تنها می‌تواند بر ابعاد غیرقانونی اقدامات ایالات متحده در ایران بیفزاید، بلکه چنان‌که تجربه‌های تاریخی نشان می‌دهد، ناآگاهانه و ناکارآمد نیز خواهد بود. شماری از کارشناسان و مفسران برجسته پیش‌تر غیرقانونی بودن^{۱۴} حملات مشترک ایالات متحده و اسرائیل در ایران و علیه ایران را توضیح داده‌اند.^{۱۵} ایالات متحده هم‌اکنون نیز مرتکب نقض‌های جدی حقوق بین‌الملل ناظر بر هدایت مخاصمات^{۱۶} شده است؛ از جمله حمله‌ای که به کشته شدن بیش از صد دانش‌آموز دختر انجامید. کمک‌رسانی به گُردها لایه تازه‌ای از غیرقانونی بودن را به این وضعیت می‌افزاید. به‌طور مشخص، ایالات متحده خود را در معرض نقض مستمر و البته نقضی دیگر از قواعد منع مداخله خواهد دید؛ نقضی که حتی پس از آتش‌بس یا هر توافق بلندمدت احتمالی نیز، مستقل از آن‌ها، ادامه خواهد یافت. افزون بر این، بسته به اوضاع و احوال، ممکن است مسئولیت بین‌المللی دولت^{۱۷} برای نقض‌هایی که نیروهای گردد مرتکب می‌شوند نیز متوجه ایالات متحده شود. این امر تا حد زیادی به شیوه‌های خاص، شدت، ماهیت کمک‌های ارائه‌شده و نوع رابطه‌ای بستگی دارد که میان ایالات متحده و نیروهای مسلح مخالف گردد برقرار می‌شود. از این‌رو، ضروری است کنگره [آمریکا] این واقعیت‌ها و ویژگی‌های خاص را به‌طور دقیق و مستمر بررسی کند تا اطمینان یابد که ناخواسته بودجه‌های اضافی^{۱۸} برای جنگ در ایران اختصاص نمی‌دهد؛ بودجه‌هایی که ممکن است، همانند گذشته، به‌گونه‌ای پنهانی و غیرقانونی^{۱۹} مورد استفاده ایالات متحده قرار گیرند.

^{۱۴} The illegality

^{۱۵} See: <https://www.ejiltalk.org/the-american-israeli-strikes-on-iran-are-again-manifestly-illegal/>
<https://www.justsecurity.org/132180/us-iran-war-strike/>
<https://www.justsecurity.org/133093/preemption-imminence-rubio-iran/>
<https://www.justsecurity.org/133171/ayatollah-khamenei-leadership-strike-law/>

^{۱۶} Serious breaches of international law governing the conduct of hostilities

^{۱۷} State responsibility

^{۱۸} <https://www.washingtonpost.com/national-security/2026/03/18/iran-cost-budget-pentagon/>

^{۱۹} Clandestine and illegal manner

اصل منع مداخله ژا ماهیت و گستره کمک ایالات متحده به گروه‌های مسلح غیردولتی کرد

حقوق بین‌الملل عرفی، مداخله قهرآمیز^{۲۱} در امور داخلی – یا حوزه صلاحیت محفوظ^{۲۲} دولت دیگر را ممنوع می‌کند. در واقع، اصل منع مداخله به‌عنوان یکی از «بنیادی‌ترین اصول و قواعد حقوق بین‌الملل» شناخته شده است.^{۲۳} همچنین به‌خوبی پذیرفته شده است که ارائه حمایت مادی به گروه‌های مسلح غیردولتی^{۲۴} و شورشیان مسلح، «شکلی تثبیت شده از مداخله ممنوع» است.^{۲۵} این قاعده در اصل بند «ج» اعلامیه روابط دوستانه^{۲۶} تدوین شده است؛ اصلی که «تکلیف به عدم مداخله در اموری که در صلاحیت داخلی هر دولت قرار دارد، مطابق منشور» [ملل متحد] را بیان می‌کند. این اعلامیه همچنین مقرر می‌دارد که «هیچ دولتی نباید فعالیت‌های براندازانه، تروریستی یا مسلحانه‌ای را که به سوی سرنگونی خشونت‌آمیز رژیم دولت دیگر هدایت شده‌اند، سازمان‌دهی، مساعدت، تحریک، تأمین مالی، تشویق یا تحمل کند».

اگرچه ایالات متحده پیش‌تر با توسل به زور برای تلاش در جهت تغییر رژیم، اصل منع مداخله را نقض کرده است، ارائه کمک به گروه‌های مسلح غیردولتی در ایران نه تنها نقضی دیگر خواهد بود، بلکه نقضی است که احتمالاً پس از پایان مشارکت مستقیم نظامی ایالات متحده در ایران نیز ادامه خواهد یافت. هرچند اقدام مستقیم نظامی مغایر با قواعد حاکم بر توسل به زور، همواره مداخله ممنوع^{۲۷} محسوب می‌شود، اما وجود چنین اقدام مستقیمی شرط لازم

^{۲۰} The Principle of Non-Intervention

^{۲۱} Coercive intervention

^{۲۲} Domaine reserve

^{۲۳} Armed Activities on the Territory of the Congo, Reparations, para. 65.

<https://www.icj-cij.org/sites/default/files/case-related/116/116-20220209-jud-01-00-en.pdf>

^{۲۴} Non-State Armed Groups (NSAGs)

<https://opil.ouplaw.com/display/10.1093/law:epil/9780199231690/law-9780199231690-e1434>

^{۲۵} Kriener, para. 24

<https://opil.ouplaw.com/display/10.1093/law:epil/9780199231690/law-9780199231690-e1434>

^{۲۶} https://treaties.un.org/doc/source/docs/A_RES_2625-Eng.pdf

اشاره نویسنده به اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل مربوط به روابط دوستانه و همکاری میان کشورها منطبق با منشور ملل متحد مصوب مجمع عمومی ملل متحد ۱۹۷۰ است. (توضیح افزوده بر متن)

^{۲۷} prohibited intervention

برای نقض اصل منع مداخله نیست. بنابراین، اگر ایالات متحده با وجود آتش‌بس یا خروج نظامی از ایران، همچنان به گروه‌های مسلح غیردولتی کُرد کمک کند، ممکن است در وضعیت نقض مستمر اصل منع مداخله قرار گیرد.

تحلیل اینکه آیا کمک ایالات متحده به گروه‌های مسلح کرد، مداخله ممنوع محسوب می‌شود یا خیر، تا اندازه‌ای به مجموعه‌ای از واقعیت‌های کلیدی وابسته است: ماهیت و گستره حمایتی که ایالات متحده ارائه می‌کند. در قضیه نیکاراگوئه، دیوان بین‌المللی دادگستری^{۲۸} زمانی کمک را مداخله ممنوع توصیف کرد که شامل حمایت «یا در قالب مستقیم اقدام نظامی، یا در قالب غیرمستقیم حمایت از فعالیت‌های مسلحانه براندازانه» باشد.^{۲۹} هرچند دیوان معیار دقیق آنچه را می‌تواند حمایت غیرمستقیم محسوب شود تعریف نکرد، اما اعلام کرد ایالات متحده با ارائه حمایت مالی، آموزش، تأمین سلاح، اطلاعات و پشتیبانی لجستیکی به کنتراها در نیکاراگوئه، مرتکب «نقض آشکار» اصل منع مداخله شده است.^{۳۰}

گستره حمایتی که ایالات متحده یا هم‌اکنون به جنگجویان کُرد ارائه می‌کند یا قصد دارد در آینده ارائه دهد، روشن نیست. گزارشی از سی‌ان‌ان^{۳۱} در ۴ مارس حاکی از آن بود که سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا^{۳۲} قصد دارد گروه‌های مخالف کُرد را «مسلح» کند و به آنان «حمایت نظامی» ارائه دهد. اگر این گزارش درست باشد، چنین اقدامی دست‌کم به روشنی مصداق تأمین سلاح و پشتیبانی لجستیکی است؛ همان نوع حمایتی که در قضیه نیکاراگوئه «نقض آشکار اصل منع مداخله» دانسته شد. (افزون بر این، بر اساس رأی دیوان در قضیه نیکاراگوئه، چنین حمایتی می‌تواند [نوعی] توسل ممنوع به زور نیز محسوب شود.)

^{۲۸} <https://www.icj-cij.org/sites/default/files/case-related/70/070-19860627-JUD-01-00-EN.pdf>

^{۲۹} Ibid, para. 205

^{۳۰} Ibid, para. 242

^{۳۱} <https://edition.cnn.com/2026/03/03/politics/cia-arming-kurds-iran>

^{۳۲} Central Intelligence Agency (CIA)

با این حال، یک روز پس از انتشار آن گزارش، دولت ترامپ به سرعت از موضع خود درباره ارائه هرگونه حمایت مادی به گروه‌های کُرد عقب نشست. ترامپ در یک نشست خبری اظهار داشت^{۳۳} که هرچند «نمی‌خواهد کُردها وارد ایران شوند»، اما اگر آنان چنین تصمیمی بگیرند، «کاملاً موافق آن خواهد بود». پیت هگزت، وزیر دفاع، نیز گفت «هیچ‌یک از اهداف [ایالات متحده] بر حمایت از مسلح کردن هیچ نیروی خاصی مبتنی نیست».^{۳۴} با وجود این، چنین اظهاراتی لزوماً ایالات متحده را در صورت وقوع شورش کُردها، از مسئولیت ناشی از مداخله ممنوع مبرا نمی‌کند؛ آن هم به دو دلیل.

نخست آنکه ایالات متحده، در واقع، طیفی از حمایت‌ها را با هدف برانگیختن یا پشتیبانی از یک شورش در اختیار کُردها قرار داده است. برای نمونه، یکی از دیدگاه‌های کارشناسی منتشرشده در چتم‌هاوس^{۳۵} خاطرنشان کرد که ایالات متحده با «بمباران گسترده اهدافی در مناطق گردنشین غرب ایران»، در پی آن است که «به‌طور بالقوه زمینه را» برای یک حمله کُردها آماده کند. همچنین چندین منبع به سی‌ان‌ان گفته‌اند^{۳۶} که دولت ترامپ در «گفت‌وگوهای فعال با ... رهبران کُرد درباره ارائه حمایت نظامی به آنان» بوده است. افزون بر این، سه گروه اصلی کُرد مخالف [جمهوری اسلامی ایران] تنها یک هفته پیش از حملات ۲۸ فوریه ایالات متحده و اسرائیل، ائتلافی برای سرنگونی جمهوری اسلامی تشکیل دادند. مجموع این تحولات نشان می‌دهد که ایالات متحده و گروه‌های مسلح غیردولتی کُرد، هماهنگ با یکدیگر عمل کرده‌اند. هرچند سخنگوی اقلیم کردستان عراق اعلام کرده است^{۳۷} که ایالات متحده جنگجویان کُرد در ایران [منظور، گروه‌های اپوزیسیون کُرد ایرانی مقیم کردستان عراق] را مسلح نمی‌کند، این امر

^{۳۳} <https://www.timesofisrael.com/after-initially-voicing-support-trump-says-he-doesnt-want-kurds-to-enter-iran-war/>

^{۳۴} <https://www.war.gov/News/Transcripts/Transcript/Article/4421037/secretary-of-war-pete-hegseth-and-chairman-of-the-joint-chiefs-of-staff-gen-dan/>

^{۳۵} <https://www.chathamhouse.org/2026/03/kurdish-groups-iran-face-risky-dilemma-amid-unclear-us-endgame>

^{۳۶} <https://edition.cnn.com/2026/03/03/politics/cia-arming-kurds-iran>

^{۳۷} <https://www.al-monitor.com/originals/2026/03/us-not-arming-iranian-kurd-opposition-iraqi-kurdistan-official-afp>

به‌طور کامل وجود نوعی رابطه همکاری^{۳۸} و حمایت را که به آستانه مداخله برسد منتفی نمی‌سازد؛ زیرا این آستانه می‌تواند با اقدامات حمایتی‌ای تحقق یابد که بسیار پایین‌تر از سطح ارائه سلاح قرار دارند.

دوم، و شاید مهم‌تر، از منظر حقوقی احتمالاً اهمیتی ندارد که آیا ایالات متحده از همان نوع حمایت مادی‌ای که در قضیه نیکاراگوئه غیرقانونی دانسته شد، به کردها ارائه می‌کند یا خیر. هرچند چنین حمایتی برای تحلیل مربوط به توسل به زور اهمیت دارد، اما در مقابل، ممنوعیت مداخله شامل «تحریک» یا «تحمل» اقدامات براندازانه شورشیان با هدف تحقق تغییر رژیم نیز می‌شود. این معیار به‌صراحت در متن اصل بند «ج» اعلامیه روابط دوستانه آمده است؛ اعلامیه‌ای که «اعلام‌کننده» حقوق بین‌الملل عرفی دانسته می‌شود.^{۳۹} بنابراین، برای تحقق نقض اصل منع مداخله، ممکن است همین اندازه کافی باشد که ایالات متحده صرفاً از حمله کردها علیه ایران استقبال کند یا شرایط مساعد برای آن را فراهم آورد.

اگرچه مرزهای دقیق معنای «تحمل»^{۴۰} یا حتی «تحریک»^{۴۱} در زمینه مداخله به‌خوبی تبیین نشده است، به نظر می‌رسد آستانه مربوط، زمانی که ایالات متحده کردها را به سرنگونی حکومت [کشور] خود تشویق کرد، از پیش عبور کرده باشد.^{۴۲} فراتر از این، ایالات متحده پیش‌تر «مواضع نظامی ایران در امتداد مرز ایران و عراق را هدف قرار داده و مراکز فرماندهی، پدافند هوایی و شبکه‌های لجستیکی‌ای را که پیش‌تر فعالیت شورشیان کرد را محدود می‌کردند، تضعیف کرده است»؛ اقدامی که ظاهراً با هدف ایجاد «فضا برای مانور نیروهای کرد» علیه دولت ایران

^{۳۸} <https://www.jpost.com/opinion/article-891658>

^{۳۹} <https://www.icj-cij.org/sites/default/files/case-related/116/116-20051219-JUD-01-00-EN.pdf>
Merits, para. 162

^{۴۰} Tolerate

^{۴۱} Incite

^{۴۲} بر مبنای این بحث، مخاطبان براحتی می‌توانند مصادیق متعددی را به خاطر بیاورند که ایالات متحده در میان گروه‌های مختلف ایران یا مزدوران غیر ایرانی نه تنها انواع تحریک‌ها و هزینه دادن‌ها برای براندازی حکومت ایران را به انجام رسانده بلکه طیف گسترده ابزارها را نیز مخفیانه در اختیار افراد یا گروه‌هایی قرار داده تا به هر روشی که شده ولو با توسل به خشونت‌آمیزترین رفتارها شامل ترور، انفجار و خرابکاری، برنامه مورد نظر آمریکا یا اسرائیل را به سرانجام برسانند. (توضیح افزوده بر متن)

انجام شده است. بنابراین، هر اقدام آتی کردها ضرورتاً در «محیط عملیاتی‌ای»^{۴۳} رخ خواهد داد که از پیش با اقدام نظامی ایالات متحده علیه ایران شکل گرفته است. در مجموع، بسیار محتمل است حمایتی که ایالات متحده تاکنون به گروه‌های مسلح کرد ارائه کرده – چه مادی و چه غیرمادی – ایالات متحده را در وضعیت نقض اصل منع مداخله قرار دهد.

مسئولیت دولت نسبت به اعمال متخلفانه بین‌المللی ارتكابی توسط گروه‌های مسلح غیردولتی کرد

با توجه به احتمال عملیات زمینی کردها در ایران، این پرسش نیز شایسته بررسی است که آیا رفتار گروه‌های مسلح غیردولتی کرد در جریان این عملیات‌ها ممکن است به ایالات متحده منتسب شود یا خیر. بر اساس ماده ۸ طرح مواد مسئولیت دولت‌ها برای اعمال متخلفانه بین‌المللی،^{۴۴} رفتار یک بازیگر غیردولتی زمانی می‌تواند به یک دولت منتسب شود که آن بازیگر، در انجام رفتار مورد نظر، «در واقع بر اساس دستورها، یا تحت هدایت یا کنترل» آن دولت عمل کند.^{۴۵} برخلاف بحث منع مداخله، آستانه مسئولیت دولت، کنترل بر رفتار است، نه صرف حمایت یا کمک.

با این حال، درباره معیار درست کنترل، تا اندازه‌ای بحث و ابهام علمی وجود دارد. در قضیه نیکاراگوئه، دیوان معیار سخت‌گیرانه «کنترل مؤثر» را پذیرفت؛ معیاری که مستلزم آن بود که دولت «ارتكاب اعمال» را هدایت یا تحمیل کرده باشد.^{۴۶} این معیار عموماً آستانه‌ای بسیار بالا برای انتساب ایجاد می‌کند و یا مستلزم صدور دستورها یا هدایت‌های مشخص برای اجرای عملیات‌های مشخص است، یا مستلزم «تحمیل ... هر عملیات مشخص».^{۴۷} در نتیجه، آزمون «کنترل مؤثر» اساساً وجود نوعی رابطه نیابتی^{۴۸} میان دولت و گروه مسلح غیردولتی را اقتضا می‌کند.

^{۴۳} <https://www.atlanticcouncil.org/dispatches/how-would-a-kurdish-offensive-change-the-war-in-iran/>

^{۴۴} https://legal.un.org/ilc/texts/instruments/english/draft_articles/9_6_2001.pdf

^{۴۵} Article ۸ Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Ac(ARSIWA)

^{۴۶} Nicaragua case. Para.115

^{۴۷} Cassese, p. 653

<https://www.ejil.org/pdfs/18/4/233.pdf>

^{۴۸} Proxy relationship

با این حال، در قضیه تادیچ،^{۴۹} دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق، معیار پایین‌تری را مطرح کرد. در آن قضیه، دیوان باید بررسی می‌کرد که آیا جنگ بوسنی ماهیت بین‌المللی داشته است یا خیر، تا امکان احراز مسئولیت بر اساس ماده ۲ اساسنامه دیوان که تنها در مورد مخاصمات مسلحانه بین‌المللی اعمال می‌شد، مشخص شود. در این چارچوب، دیوان درباره انتساب‌پذیری رفتار گروهی به یک دولت، معیار «کنترل کلی» را پذیرفت.^{۵۱} این معیار، معیار منعطف‌تری از [میزان] کنترل است که بر اساس آن، مادامی که دولت «نقشی در سازمان‌دهی، هماهنگی یا برنامه‌ریزی اقدامات نظامی گروه نظامی» داشته باشد، نیازی به صدور دستورهای مشخص وجود ندارد.^{۵۲} با این حال، دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نسل‌زدایی، هنگام ارزیابی مسئولیت دولت نسبت به نقض‌های کنوانسیون نسل‌زدایی در جریان جنگ بوسنی، به شدت با این معیار مخالفت کرد و بار دیگر آزمون سخت‌گیرانه‌تر «کنترل مؤثر» را مورد تأکید قرار داد.^{۵۳}

انتخاب میان این دو آزمون، در صورتی که ایالات متحده صرفاً در حال ارائه سلاح، تجهیزات، پشتیبانی لجستیکی و حمایت مالی به گروه‌ها باشد، آن‌گونه که گزارش‌های موجود^{۴۹} نشان می‌دهد ممکن است اهمیت چندانی نداشته باشد. حتی آموزش نیروهای گُرد نیز لزوماً وضعیت را تغییر نمی‌دهد. دلیل آن این است که حتی بر پایه معیار منعطف‌تر «کنترل کلی» نیز تردیدی نیست که چنین آشکالی از کمک مادی و پشتیبانی عملیاتی، برای انتساب رفتار بعدی یک گروه مسلح غیردولتی به دولت کافی نیست.^{۵۵} به همین دلیل نیز دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه، با وجود آنکه سطح همکاری در آن پرونده آشکارا بیش از سطح روابط کنونی میان ایالات متحده و نیروهای مخالف گُرد به نظر می‌رسید، از مسئول شناختن ایالات متحده نسبت به رفتار گُنها خودداری کرد.

^{۴۹} <https://www.refworld.org/jurisprudence/caselaw/icty/1999/40180>

^{۵۰} International Criminal Tribunal for the former Yugoslavia (ICTY)

^{۵۱} Tadic, para. 131

^{۵۲} Tadic, para. 137

^{۵۳} Genocide case

<https://www.icj-cij.org/sites/default/files/case-related/91/091-20070226-JUD-01-00-EN.pdf>

^{۵۴} <https://www.nytimes.com/2026/03/04/us/politics/kurds-trump-iran-war.html>

^{۵۵} Tadic, para. 137.

از آنجا که دست کم باید نوعی نقش دولت در سازمان‌دهی، هماهنگی یا برنامه‌ریزی عملیات‌های نظامی وجود داشته باشد، اهمیت زیادی به محتوای دقیق و ماهیت گفت‌وگوهای گزارش‌شده^{۵۶} سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا با نیروهای گُرد تعلق می‌گیرد. هرچند صرف تبادل اطلاعات یا عمل هماهنگ ممکن است حتی آستانه کنترل کلی را نیز برآورده نکند، اما اگر سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا شروع به ارائه کمک یا راهنمایی راهبردی یا تاکتیکی به گروه‌های مسلح غیردولتی گُرد کند، وضعیت تغییر خواهد کرد.

البته چنین کمکی میان متحدان، به تنهایی نمی‌تواند دلالت بر هیچ درجه‌ای از «کنترل» داشته باشد.^{۵۷} آنچه لازم است، اعمال کنترل «از طریق هماهنگ کردن یا کمک به برنامه‌ریزی کلی فعالیت‌های نظامی» آن گروه است.^{۵۸} بنابراین، پرسش مرتبط فقط این نیست که آیا میان ایالات متحده و گروه‌های مسلح غیردولتی گُرد برنامه‌ریزی هماهنگ وجود دارد یا خیر؛ بلکه این است که آیا ایالات متحده عملیات‌های نظامی را برای این گروه‌ها برنامه‌ریزی و هماهنگ می‌کند، به گونه‌ای که آن گروه‌ها به‌طور کلی بر اساس هدایت‌های ایالات متحده عمل کنند یا خیر. معیار "کنترل کلی" تنها زمانی ممکن است تحقق یابد که ایالات متحده واقعاً در چارچوب طرحی گسترده‌تر، فعالیت‌های نظامی را با گروه‌های مسلح غیردولتی گُرد هماهنگ کرده باشد یا هماهنگ کند؛ طرحی که همچنین متضمن نوعی هدایت کلی عملیات‌های نظامی باشد. برای نمونه، بمباران سنگین برخی مناطق داخل ایران از سوی ایالات متحده به‌منظور باز کردن مسیر برای نیروهای گُرد، می‌تواند نشانه‌ای از سطحی از برنامه‌ریزی هماهنگ عملیات‌های نظامی باشد که ایالات متحده برای نیروهای گُرد انجام می‌دهد. با این حال، بر اساس آنچه تاکنون به‌صورت عمومی گزارش شده است، نمی‌توان با قطعیت گفت این میزان تا چه حد بوده است.

انتساب رفتار گروه‌های مسلح غیردولتی گُرد به ایالات متحده بر پایه آزمون «کنترل مؤثر» حتی بعیدتر است. در عمل، حمایت دولت‌ها از گروه‌های مسلح غیردولتی به ندرت به سطح صدور دستورهای مشخص برای انجام عملیات‌های

^{۵۶} <https://edition.cnn.com/2026/03/03/politics/cia-arming-kurds-iran>

^{۵۷} Tadic, para. 130

^{۵۸} Tadic, para. ۱۳۱

معین می‌رسد.^{۵۹} هرچند استثنای نادر وجود دارد مانند؛ خیزش‌های خشونت‌آمیز گروه‌های طرفدار روسیه در دونباس در سال ۲۰۱۴، که کنترل مؤثر روسیه از سوی دیوان اروپایی حقوق بشر تأیید شد،^{۶۰} و نیز تهاجم خلیج خوک‌ها در کوبا^{۶۱} - اما به‌طور کلی، تاریخ مخاصمات مسلحانه بین‌المللی شده^{۶۲} و همکاری ایالات متحده با گروه‌های مسلح غیردولتی نشان می‌دهد روابط دولت و این گروه‌ها به ندرت به سطحی از مشخص بودن رسیده است که آزمون «کنترل مؤثر» اقتضا می‌کند. علت آن است که، هرچند دولت‌ها ممکن است راهنمایی راهبردی، تعیین هدف و حمایت مادی گسترده‌ای در اختیار گروه‌های مسلح غیردولتی قرار دهند، اهداف مشخص، وسایل و روش‌های جنگ معمولاً به خود این گروه‌ها واگذار می‌شود؛ مادامی که میان طرفین نسبت به اهداف راهبردی کلی همسویی وجود داشته باشد. برای نمونه، در قضیه فعالیت‌های مسلحانه،^{۶۳} دیوان بین‌المللی دادگستری با وجود احراز سطح بالایی (هرچند غیرمشخص) از برنامه‌ریزی و هماهنگی مشترک، از انتساب رفتار جنبش آزادی‌بخش کنگو، که یک گروه مسلح غیردولتی بود، به اوگاندا خودداری کرد. با توجه به اینکه گروه‌های مسلح غیردولتی گرد از مدت‌ها پیش وجود داشته‌اند و به‌طور مستقل عملیات‌هایی انجام داده‌اند، بعید است که رابطه‌ای حقیقتاً «نیابتی» با ایالات متحده شکل دهند.^{۶۴}

^{۵۹}. معمولاً این قبیل سفارشات و برنامه‌ها به صورت مخفیانه و محرمانه انجام می‌شود، فلذا برای سازوکارهای حقوقی براحتی کشف این موارد میسر نیست و همین امر فرصت بیشتری فراهم می‌سازد تا دولت‌های دخیل در استفاده از گروه‌های مزبور بر تنوع اقدامات خود بیفزایند. بر حسب ارزیابی محققان این حوزه، آمریکا و اسرائیل بیشترین فعالیت را در این زمینه در سراسر دنیا دارند. (توضیح افزوده بر متن)

^{۶۰}. <https://hudoc.echr.coe.int/rus#%7B%22itemid%22%3A%5B%22002-13989%22%5D%7D>

^{۶۱}. Bay of Pigs invasion

<https://www.britannica.com/event/Bay-of-Pigs-invasion>

^{۶۲}. Internationalized armed conflicts

<https://casebook.icrc.org/a-to-z/glossary/internationalized-internal-armed-conflict>

^{۶۳}. <https://www.icj-cij.org/sites/default/files/case-related/116/116-20051219-JUD-01-00-EN.pdf>
Para.160

^{۶۴}. بسیاری از کارشناسان بر این باورند که اگر حمایت‌های گسترده مالی و لجستیکی و اطلاعاتی و سیاسی آمریکا و اسرائیل و برخی کشورهای دیگر که ناامنی و بی‌ثباتی در ایران را پیگیری می‌کنند، قطع شود گروه‌های مورد اشاره امکان هیچ گونه فعالیتی نخواهند داشت و در واقع به حیات آنها پایان داده می‌شود. اما دولت‌های حامی ترجیح می‌دهند که این گروه‌ها را حفظ کنند تا همواره ابزارهایی برای زخم زدن به ایران در اختیار داشته باشند. بدین ترتیب، ارزیابی نویسنده مبنی بر اینکه بعید است رابطه حقیقتاً نیابتی شکل بگیرد از واقعیات موجود فاصله بسیار دارد و نوعی خوش‌خیالی یا احتیاط زیاد در تحلیل حقوقی است. (توضیح افزوده بر متن)

شیوه عمل ایالات متحده در همکاری هم‌زمان و هماهنگ با گروه‌های مسلح غیردولتی برای تحقق تغییر رژیم، همواره بیش از آنکه مسئله‌ای را حل کند، مسئله آفریده است. برای نمونه، طرح پیچیده تأمین مالی کُتراها برای سرنگونی حکومت ساندینیستا در نیکاراگوئه، نه تنها به تغییر رژیم منجر نشد، بلکه مجموعه‌ای از پیامدهای حقوقی را نیز به دنبال آورد و ایالات متحده را به رسوایی عمیقاً زیان‌بار ایران-کُترا کشاند؛ رسوایی‌ای که شامل فروش سلاح از سوی دولت ریگان به [نماینده آیت الله سید] روح‌الله خمینی، رهبر پیشین ایران، بود. به همین ترتیب، سازمان تروریستی القاعده از دل «شبکه‌ای از عرب‌ها و دیگر کهنه سربازان خارجی شورش افغانستان مورد حمایت ایالات متحده»^{۶۵} در جریان جنگ شوروی و افغانستان پدید آمد. بنابراین، کمک، تأمین مالی و آموزش نیروهای مجاهدین در افغانستان از سوی سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا در دهه ۱۹۸۰، پیامد و بازگشت زیان‌بار^{۶۶} ویرانگری داشت: تولد یکی از مهم‌ترین تهدیدهای تروریستی جهانی در تاریخ.

عادت آمریکا به حمایت از گروه‌های مسلح غیردولتی برای دستیابی به اهداف راهبردی مشترک، همراه با چشم‌پوشی از ایدئولوژی و حقوق بین‌الملل، بارها و بارها کوته‌بینانه بودن خود را نشان داده است. اکنون خطر تکرار همین الگو در ایران وجود دارد. هرچند هم ایالات متحده و هم گروه‌های مسلح غیردولتی کُرد ممکن است از سقوط جمهوری اسلامی منتفع شوند، به نظر نمی‌رسد پیامدهای موفقیت شورش کُرها برای صلح، عدالت و ثبات مردم ایران و نیز برای خاورمیانه گسترده‌تر مورد توجه قرار گرفته باشد. در واقع، اگر بتوان چیزی گفت، این است که شورش مؤثر کُرها احتمالاً به شعله‌ور شدن یک جنگ داخلی خشونت‌بار^{۶۷} خواهد انجامید؛ جنگی که ویرانگرترین هزینه‌های آن را مردم ایران خواهند پرداخت. البته فارغ از این پیامدهای راهبردی، ارائه حمایت به نیروهای کُرد علیه ایران، خود نقض آشکار دیگری از حقوق بین‌الملل نیز خواهد بود. کنگره ایالات متحده باید از دشواری‌های کشف

^{۶۵} https://www.congress.gov/crs_external_products/IF/PDF/IF11854/IF11854.6.pdf

^{۶۶} Blowback

<https://americanmind.org/salvo/the-perils-of-blowback/>

^{۶۷} <https://www.atlanticcouncil.org/dispatches/how-would-a-kurdish-offensive-change-the-war-in-iran/>

ماجرای ایران - کُترا درس بگیرد و در بررسی فعالیت‌های جامعه اطلاعاتی آمریکا در ایران، نقش نظارتی فعال و پیش‌دستانه‌ای^{۶۸} ایفا کند؛ همچنین نباید برای نقض‌های بیشتر حقوق بین‌الملل در ایران، بودجه اختصاص دهد.



^{۶۸} Proactive oversight role